

با سیدمهدی سیدقطبی، پژوهشگری که تاریخ را درآوراق کاهی روزنامه ها می خواند

خراسان به روایت جراید

لیلا کوچک‌زاده

مطبوعات گذشته منابعی غنی و هیجان انگیز برای پژوهش در احوال پیشینیان هستند، منابعی که می‌توان در آن‌ها رویدادها، حوادث و سرگذشت روزانه مردم شهر یا کشوری را دید و روزگارشان را خط به خط ورق زد. خواندن مطبوعات گذشته مثل این است که یکی آینه‌ای نشانه‌ها باشد پیش رویت و بگوید: «تاریخ را تماشا کن، همین روزانه دیدن تاریخ در روزنامه‌ها هم هست که گاه توانسته راهگشای یک نکته مبهم یا نمایانگر یک گوشه مغفول در تاریخ یک سرزمین باشد. در این میان مجموعه آرشیو مطبوعاتی آستان قدس رضوی به عنوان بزرگ‌ترین آرشیو مطبوعاتی ایران، سال‌هاست منبع بسیار ارزشمندی برای پژوهشگران این حوزه بوده است، مجموعه‌ای که برای تسهیل کار پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ، بخشی از آن به کتاب هم تبدیل شده است.
مجموعه «اخبار خراسان در مطبوعات، تألیف سیدمهدی سیدقطبی، پژوهشگر تاریخ مطبوعات ایران، یکی از این پژوهش‌های گسترده است که جراید خراسان رااز نخستین روزنامه تا پایان دوره پهلوی اول گردآوری و چاپ و منتشر کرده است. البته این پژوهش در این نقطه تمام نمی‌شود و قطبی قرار است مطبوعات دوره پهلوی دوم را هم به همین شیوه تبدیل به کتاب‌هایی در دسترس کند. با او در مطلب پیش رو درباره این پژوهش وجایگاه آرشیو مطبوعاتی آستان قدس رضوی به‌گپ و گفت پرداخته‌ایم.

		
تلخ و شیرین یک پژوهش		
سیدمهدی سیدقطبی، محقق تاریخ آستان قدس رضوی، ازسال ۱۳۸۷ کارتألیف کتاب‌اخبار خراسان در مطبوعات را شروع کرده است؛ کتابی که تاپایان سال ۱۴۰۲تعداد ۷۰جلد آن منتشر خواهد شد. از این پژوهشگر تاکنون ۲۶عنوان کتاب و ۹۰مقاله منتشر شده است.مجموعه «اخبار خراسان در مطبوعات»، در سه دوره طراحی شده است. دوره اول این مجموعه «اخبار خراسان درمطبوعات‌دوران قاجار» است که تاکنون ۱۳جلد آن بین سال‌های ۱۳۹۷تا۱۳۹۹منتشر شده است. آن‌طورکه قطبی می‌گوید، پنج جلد دیگر هم به این مجموعه اضافه خواهد شد که به‌تدریج تا پایان سال ۱۴۰۱ منتشر می‌شود. درنهایت این‌دوره ۱۸جلدی، حدود۱۳هزار صفحه خواهد بود که یک جلد آن، مطبوعات دوره ناصری، یک جلد مظفری و یک جلد هم مطبوعات		

تأثیربرانگیزترین خبر

سیدمهدی سیدقطبی، درباره تأثیربرانگیزترین خبری که در سال‌های بررسی نشریات با آن روبه‌رو شده است، به خبری با عنوان «مرگ سوسن»، که در جلد ششم‌اخبار خراسان در دوره‌رضاشاه پهلوی آمده‌است، اشاره می‌کند و می‌گوید: هنگام بازنویسی این خبر، اشک بسیار ریختم و هیچ‌گاه آن را فراموش نکردم. بخشی از آن خبر بدین صورت است: «در یکی از اتاق‌های بیمارستان دخترکی لاغر روی

		
آرشیو مطبوعاتی آستان قدس رضوی به عنوان بزرگ‌ترین آرشیو مطبوعاتی ایران مطرح است. این مجموعه چه شاخص‌هایی دارد؟		
این مجموعه با ۲۳هزار عنوان، بزرگ‌ترین آرشیو مطبوعاتی ایران به لحاظ تعداد است. بزرگ‌ترین و تنها آرشیو ملی ایران در شرق کشور هم هست. همچنین باوجودواحد‌مبادله‌نشریات‌تکراری، تاکنون بیش از ۱۵هزار نسخه نشریه مبادله کرده‌است. در سال ۱۳۹۲با حدود ۲هزار منبع مطبوعاتی، عنوان اولین کتابخانه تخصصی مطبوعات در ایران را هم می‌گیرد. این را اضافه کنیم که تاکنون بیش از ۹هزار عنوان از آرشیو نشریات دانشجویی وزارت علوم را جذب کرده و بیش از ۸هزار عنوان مجله، روزنامه و سالنامه را هم در فهرست آرشیوی خود دارد. جز این‌ها بیش از ۶۵هزار نسخه نشریه‌ا مجموعه‌های شخصی در ۱۰سال اخیر تهیه شده است.		
چقدر از این آرشیو مطبوعات تاکنون به کتاب تبدیل شده است و چه آرشیو مطبوعاتی آستان قدس رضوی را با انتشار چندین عنوان کتاب، باید یکی از برجسته‌ترین آرشیوهای مطبوعاتی تحقیقاتی		

		
درنگی درباره‌خانه حاج‌حسین ملک، بزرگ‌ترین واقف مشهد		
ملک آجری ملک		
کوچک‌زاده‌ا‌خانه ملک از اندک خانه‌های بافت قدیمی‌مشهددرخیابان امام خمینی ^(۵) است که از گزند تخریب‌های مکرر درآمان مانده است، خانه آجری خوش‌نقش‌ونگار در دو طبقه بارده‌های فیروزه‌ای در نمای بنا که نظر عابران را به خود جلب می‌کند. بیش ازصدسال پیش، حاج‌حسین ملک‌بازارن و مجموعه‌دار ثروتمند مشهدی پس از ازدواج با همسرش نوابه قدسیه خانم، در محله ارگ که آن زمان حومه شهر بوده، این خانه زیبا را ساخته است، ارگی که بعدتریکی ازخیابان‌های پررونق، سرحال		

ویرفت‌وآمدمشهد شد. رضا‌افضلی درباره ارگ سروده است:

برای گردش عصرانه مردم/ شود در ارگ با پوشاک نو گم‌//درشکه می‌رسد با چرخ گلگون /در او گل بوته‌های عطر و افسون

بدین‌ترتیب خانه آجری بزرگ‌ترین واقف مشهد دوره‌های مختلف تاریخی را از سر گذرانده و همچنان سرپا ایستاده است.

حاج حسین با وجود وقفیات بسیاری در مشهد، این خانه را وقف نکرده است، بلکه در اقدامی شایسته این ملک را از دختر حاج حسین آقا خرید و پس از مرمت در سال ۱۳۸۶، آن را به کارگاهی پویا برای

		
دوران محمدعلی شاه قاجار است. باقی جلد‌ها هم به مطبوعات زمان احمدشاه مربوط می‌شود. به گفته قطبی مهم‌ترین روزنامه‌های دوره قاجار در خراسان که اخبارش در این دوره آمده است، روزنامه‌های ادب (اولین روزنامه خراسان)، بهار، نوبهار، تازه بهار، توس، خورشید و شهابت هستند. اما دوره دوم اخبار خراسان، مطبوعات زمان رضاشاه پهلوی است که در ۱۸جلد و درمجموع ۱۳هزار صفحه خواهد بود.ناگفته نماند تاکنون ۱۵جلد این مجموعه منتشر شده است. دوره سوم این مجموعه نیز مربوط به دوره محمدرضاشاه پهلوی است که با محاسبه‌ای تقریبی ۳۰جلد (حدود ۲۰هزار صفحه) خواهد بود که احتمالا بین سال‌های ۱۴۰۲-۱۴۰۴منتشر خواهند شد. به گفته سیدمهدی سیدقطبی مهم‌ترین روزنامه‌های این دوره تاریخی از اخبارخراسان نیز شامل بهار،		

شهابت، آفتاب شرق، آزادی، مهر منیر می‌شوند. اطلاعات و ایران باستان هم روزنامه‌های تهرانی هستند که بخشی از اخبار خراسان از میان اوراق آن‌ها برداشت شده‌است. این پژوهشگر، دستیابی به مطبوعات دوره‌قاجار را هم یکی از چالش‌های تألیف این مجموعه عنوان می‌کند و می‌گوید: باتوجه‌به قدمت و پراکندگی گسترده مطبوعات دوره قاجار، گردآوری اخبار این دوره، کار دشوار و طاقت‌فرسایی بود که در طول ۱۰سال به تدریج انجام شد اما از آن سخت‌تر استخراج محتوا از آن‌ها بود که شرح آن، مثنوی هفتاد‌من است. عمده نشریه‌های این دوران، چاپ سنگی و برخی چاپ سربی بودند اما در عمده موارد، خواندن و بازنویسی اخبار بسیار مشکل و در برخی مواقع دشوار و ناممکن بود. برای مثال روزنامه دولت علیه ایران با چاپ سنگی به لحاظ پیچ و تاب‌های خط نستعلیق و ذوق زدگی

		
اشاره می‌کند و می‌خواهد کلمه‌ای چند بر زبان آرد ولی سینه پر از درد و سوز مجال گفتار به او نمی‌دهد. باری، ساعت پنج فرارسید. این آخرین ساعتی است‌که سوسن جهان و جهانیان را بدرود می‌گوید، با دوستان و خویشاوندانش غایبانه وداع می‌کند، عاقبت غبار مرگ بردیدگانش می‌نشیند و در عنوان جوانی دنیای فانی را بدرود می‌گوید و چشم و چراغ دانش و ادب را کور و خاموش و گلخانه علم و هنر را بی سوسن می‌نماید. ۱۳ مهرماه ۱۳۱۵، مهدی پاریسی،		

کشور دانست. کتاب‌هایی چون مقاله‌نامه امام‌علی^(۶)، مقاله‌نامه امام‌رضا^(۷) (۲جلد)، چکیده نامه مقالات خراسان، فهرست روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های سازمان (۲جلد)، فهرست مجله‌های سازمان (۵جلد)، تاریخ تحلیلی روزنامه و مجله‌های خراسان (۳جلد) و همین کتاب‌اخبار خراسان در مطبوعات که تا ۷۰جلد خواهد رسید.

این آرشیو مفصل طی چند سال و به چه صورت جمع‌آوری شده‌است؟ باتوجه به مدارک، اطلاعات و اخبار مندرج در نشریه نامه آستان قدس، ظاهراً قبل از انقلاب، خدمات مطبوعاتی فقط در حد تهیه برخی روزنامه‌های جاری و قراردادن آن‌ها در مدخل ورودی کتابخانه بوده است تا مراجعان در طول رفت وآمد به کتابخانه، مطالب روز را در صورت علاقه بتوانند مطالعه کنند. اما بعدها که مردم، منابعی را به صورت وقف یا هدیه به کتابخانه اهدا می‌کنند، اگر میان آن‌ها منابع مطبوعاتی یافت می‌شد، باتوجه‌به قطع و کیفیت وضع ظاهری

آفرینش و نشر هنر تبدیل کرد؛ گرچه کاربری خانه مدتی پیش با کش و قوس‌هایی همراه شد و بخشی از طبقه دوم به واحد اداری سازمان میراث فرهنگی تبدیل و فعالیت هنرمندان این باتوق دچار محدودیت شد. خانه ملک در دو طبقه و با یک زیرزمین و حیاطی باصفا در پشت ساختمان که به سبک باغ‌های ایرانی، حوضی در وسط‌دارد و باغچه‌های مستطیل‌شکلی با درختان بلند‌بالا در اطرافش گسترده شده است. مصالح ساختمان از خشت و گل با روش آجروصفق‌آن‌از چوب‌است. طبقه دوم‌خانه شامل یک پذیرایی به مساحت ۲۲مربع با سقف شیروانی و چهار اتاق نشیمن و راهروها و فضاهای ورودی است. اتاق پذیرایی دارای یک بخاری دیواری گچ‌ریزی‌شده با گل و بوته‌است. از زیبایی‌های بی‌نظیر پذیرایی، سقف‌منبت‌کاری چوبی آن‌است که باطرح گل‌رز تزئین شده‌است. شومینه نیز گچ‌بری جذابی با نقوش گل و بوته دارد. از قسمت‌های جالب دیگر خانه

		
شهابت، آفتاب شرق، آزادی، مهر منیر می‌شوند. اطلاعات و ایران باستان هم روزنامه‌های تهرانی هستند که بخشی از اخبار خراسان از میان اوراق آن‌ها برداشت شده‌است. این پژوهشگر، دستیابی به مطبوعات دوره‌قاجار را هم یکی از چالش‌های تألیف این مجموعه عنوان می‌کند و می‌گوید: باتوجه‌به قدمت و پراکندگی گسترده مطبوعات دوره قاجار، گردآوری اخبار این دوره، کار دشوار و طاقت‌فرسایی بود که در طول ۱۰سال به تدریج انجام شد اما از آن سخت‌تر استخراج محتوا از آن‌ها بود که شرح آن، مثنوی هفتاد‌من است. عمده نشریه‌های این دوران، چاپ سنگی و برخی چاپ سربی بودند اما در عمده موارد، خواندن و بازنویسی اخبار بسیار مشکل و در برخی مواقع دشوار و ناممکن بود. برای مثال روزنامه دولت علیه ایران با چاپ سنگی به لحاظ پیچ و تاب‌های خط نستعلیق و ذوق زدگی		

خطاط، گاهی ساعت‌ها زمان می‌برد تا کلمه‌ای از آن خوانده شود. در هر صورت سعی بر آن بود از میان هزاران برگ روزنامه‌های دوره قاجار، آن بخش از وقایعی را که مربوط به سرزمین خراسان است، استخراج کنیم تا منبعی ارزشمند و مستند برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ خراسان فراهم شود. در این میان باتوجه‌به نبود همه مطبوعات منتشره در دوره قاجار، نمی‌توان به‌طور قطع به استخراج اخبار این دوره پرداخت اما تاکنون حدود ۹۰درصد اخبار این دوره در کتاب «اخبار خراسان در مطبوعات دوره قاجار» ارائه شده‌است. او همچنین چالش‌هایی را نیز مربوط به دوره پهلوی اول می‌داند، زمانی‌که تعداد نشریات کم‌کم افزایش پیدا می‌کند اما آنچه از بعضی روزنامه‌های آن دوران باقی مانده، کاغذهایی با خطوطی کم‌رنگ است که خواندن آن‌ها دشوار است.

		
اشاره می‌کند و می‌خواهد کلمه‌ای چند بر زبان آرد ولی سینه پر از درد و سوز مجال گفتار به او نمی‌دهد. باری، ساعت پنج فرارسید. این آخرین ساعتی است‌که سوسن جهان و جهانیان را بدرود می‌گوید، با دوستان و خویشاوندانش غایبانه وداع می‌کند، عاقبت غبار مرگ بردیدگانش می‌نشیند و در عنوان جوانی دنیای فانی را بدرود می‌گوید و چشم و چراغ دانش و ادب را کور و خاموش و گلخانه علم و هنر را بی سوسن می‌نماید. ۱۳ مهرماه ۱۳۱۵، مهدی پاریسی،		

یا به‌صورت کلی، ثبت دفاتر اموالی و در مخزن کتب چاپی نگهداری می‌شد. اغلب مجلات شامل این قانون شده یا به‌نوعی، کالای انباری تلقی و در انبار کتابخانه روی هم انباشته می‌شدند. سرنوشت بیشتر روزنامه‌ها نیز همین بوده است. به‌طور کلی می‌توان گفت قبل از انقلاب، انبار مطبوعات وجود داشته، نه آرشیو مطبوعات و این منابع از هیچ‌گونه انسجام و سازمان‌دهی برخوردار نبوده‌است و تفکر اساسی و جدی نیز در این زمینه نشده بود. اما در سال ۱۳۵۸ پیشنهاد تشکیل آرشیو مطبوعات از سوی برخی مسئولان و کارشناسان کتابخانه ارائه و باتوجه‌به منابع موجود، ضرورت این امر حرز شد. به این ترتیب، جمع‌آوری منابع مطبوعاتی که در گوشه‌ونگار کتابخانه پراکنده بود، آغاز و نشریاتی که ثبت مخزن کتاب‌ها شده بود، از مخزن خارج شدند. روزنامه‌ها نیز به همین روش از انبار خارج و سامان‌دهی آن‌ها شروع شد تا بعد از مرتب‌سازی، آن‌ها را برای ثبت و صحافی آماده کنند.

این یعنی پس از سال ۱۳۵۸ با تغییرات چشمگیری در آرشیو کردن مطبوعات موجود در آستان قدس روبه‌رو هستیم؟ این اتفاق به چه صورت نظم می‌یابد؟
بله، پس از مشخص شدن محل و فضایی برای آرشیو مطبوعات و تهیه قفسه، منابع به‌صورت الفبایی چیده‌و بدین‌ترتیب از اوایل سال ۱۳۵۹بخش آرشیو مطبوعات به صورت مستقل تأسیس شد. فضای این آرشیو در ساختمان قدیمی کتابخانه (ساختمان فعلی موزه‌واقع در صحن امام) بود و مخزنی برای آرشیو مطبوعات در آن اختصاص داده شد. در آن مکان به مراجعان نسخ خطی و آرشیو مطبوعات باتوجه‌به حساسیت منابع

		
آفرینش و نشر هنر تبدیل کرد؛ گرچه کاربری خانه مدتی پیش با کش و قوس‌هایی همراه شد و بخشی از طبقه دوم به واحد اداری سازمان میراث فرهنگی تبدیل و فعالیت هنرمندان این باتوق دچار محدودیت شد. خانه ملک در دو طبقه و با یک زیرزمین و حیاطی باصفا در پشت ساختمان که به سبک باغ‌های ایرانی، حوضی در وسط‌دارد و باغچه‌های مستطیل‌شکلی با درختان بلند‌بالا در اطرافش گسترده شده است. مصالح ساختمان از خشت و گل با روش آجروصفق‌آن‌از چوب‌است. طبقه دوم‌خانه شامل یک پذیرایی به مساحت ۲۲مربع با سقف شیروانی و چهار اتاق نشیمن و راهروها و فضاهای ورودی است. اتاق پذیرایی دارای یک بخاری دیواری گچ‌ریزی‌شده با گل و بوته‌است. از زیبایی‌های بی‌نظیر پذیرایی، سقف‌منبت‌کاری چوبی آن‌است که باطرح گل‌رز تزئین شده‌است. شومینه نیز گچ‌بری جذابی با نقوش گل و بوته دارد. از قسمت‌های جالب دیگر خانه		

ملک، یکی از نمونه‌های حمام تاریخی خصوصی مشهد است که در محوطه حیاط وباغ قرار گرفته‌است. این حمام با مساحتی حدود ۱۲۷ مترمربع در زیرزمین قرار دارد

		
کفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بهشت (قسمت دوم‌دهم)		
کوهسنگی و اسرار شگفت انگیز آن (بخش نخست)		
مرضیه ترابی		
اصلاحی دانم باید از کجا شروع کنیم! قصه آن قدر هیجان انگیز است که آدم دوست دارد همه آن را در چند جمله بگوید و خیال مخاطب را راحت کند، اما مگر می‌شود؟ جزئیات رهایت نمی‌کنند! مگر امکان دارد کوهسنگی این همه اسرار نگفته داشته‌باشد، مکانی که بعد از حرم مطهر رضوی، باید آن را دومین نماد شهر مشهد بدانیم؟ کوهسنگی بخشی از رشته کوه بینالود است، رشته کوهی که به واسطه چشمه‌سارهای متعدد و آب‌وهوای عالی و دل‌انگیزش، از هزاران سال قبل، مکان زندگی نوع بشر بوده است و هنوز هم می‌توان یادگارهای ازمنه باستان را در برخی نقاط آن یافت. در حافظه تاریخی کوهسنگی هم، می‌توان حوادث و رویدادهای عجیب و غریب فراوانی پیدا کرد، قصه‌هایی که شاید خیلی از آن‌ها در تاریخ کم شده باشند و حالا قرار است برخی از آن‌ها را با هم مرور کنیم و از دانستن تاریخ، لذت ببریم.		

● نخستین کوه‌خواری ثبت شده در تاریخ مشهد
شاید تعجب کنید اگر بگوییم نخستین کوه‌خواری ثبت شده در تاریخ مشهد، مربوط به دوران حکومت بابر، از نوادگان تیمورلنگ، است و اتفاقاً در همین کوهسنگی خودمان اتفاق افتاده. می‌گوییم نخستین کوه‌خواری ثبت شده، چون ممکن است موارد دیگری هم وجود داشته‌باشد که به دلیل ثبت و ضبط‌نشدن در متون تاریخی، از آن بی‌خبر باشیم. گزارش این کوه‌خواری، به‌صورتی کاملاً خلاصه و شاید اتفاقی در متن کتاب «بدایع الوقایع»، اثر زین‌الدین محمود آصفی، مورخ و شاعر قرن دهم و اهل هرات، آمده‌است. هرچند بیشتر مطالب کتاب حول محور تاریخ هرات و دست‌به‌دست شدن آن بین تیموریان، ازبکان و صفویان دور می‌زند، آصفی ضمن نقل یک خاطره از سفرش به مشهد، روایتی جالب و نایاب نقل می‌کند. او می‌نویسد: «قریب به نیمه‌شب بود که به کوه‌سنگین (کوهسنگی) رسیدیم که در یک فرسجی مشهد است و آن سیرگه‌مزد مردم آنجاست. در بالای آن کوه میرزا بابر، سنگتیران را فرموده که خانه‌ای ساخته‌اند و با جوانان آنجا به سیر می‌آمده، بر بالای آن کوه برآمده درون آن خانه درآمیدیم. دیدیم دو کس در کنج آن خانه ویرانه نشسته‌اند،» میرزا بابر، همان ابوالقاسم بابر، پسر بایسقر و نوه شاهرخ تیموری است که برای مدتی، حکومت خراسان را از ۸۳۶خورشیدی برعهده داشت. ظاهراً او از آب‌وهوا و موقعیت خوب کوهسنگی خوشش آمد و تصمیم گرفت مردم را از موهبت تفرج در این منطقه محروم کند. اما این کوه‌خواری خیلی برقرار نماند، چون زمانی که آصفی حدود نیم‌قرن بعد از بابر، به تفرج در کوهسنگی پرداخت، ویلای اختصاصی بابر بر فراز کوهسنگی به‌مخروبه‌ای تبدیل شده‌بوده است.

● کوهسنگی در جنگ جهانی اول

هرچند کوهسنگی از دیرباز یکی از تفرجگاه‌های مهم شهر مشهد محسوب می‌شده، اما همیشه فضای آن امنیت لازم را برای استفاده از این ظرفیت نداشته‌است، به‌ویژه هنگامی که وضعیت عمومی کشور به‌دلیل جنگ‌های داخلی یا تعرضات خارجی رو به وخامت می‌گذاشت. درست‌مانند وضعیتي که بین سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۰ خورشیدی پیش آمد، دورانی که افزون‌بر شیوع قحطی بزرگ و مرگ بیش از ۸ میلیون ایرانی و از بین رفتن نیمی از جمعیت کشور، ایران عرصه تاخت‌وتاز قدرت‌های بیگانه‌ای بود که جدال در جنگ جهانی اول را به داخل خاک ایران کشانده بودند. امنیت به‌عنوان رکن اصلی پشتیبانی از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کاملاً از جامعه رخت بسته بود و اوضاع روز به‌روز بدتر می‌شد. در این شرایط، اشرار و یاغیان متعددی در گوشه‌ونگار ایران، گردن‌فرازی را آغاز کردند. یکی از این یاغیان، شخصی به نام محمد ژشکی، بود که در حدود سال ۱۲۹۲ با گروهی که تشکیل داده بود، دست به راهزنی می‌زد و فضای اطراف مشهد را به‌شدت ناامن کرده بود. هرچند محل اصلی بی‌توته محمد زشکی و افرادش در کوه‌های غربی مشهد قرار داشت. آن‌ها به دلیل فقدان نیروی انتظامی فعال در مشهد، با پشت کوهسنگی نفوذ و آن را به یکی از مقرهای اصلی خود تبدیل کرده بودند. به این ترتیب، طی حدود سه سال، این تفرجگاه قدیمی مشهد به مکان استتار راهزنان خطرناکی تبدیل شد که گاه‌وبی‌گاه هزارع و روستاهای اطراف شهر را چپاول می‌کردند و حتی سودای حمله به مشهد و تسلط بر آن را داشتند، موضوعی که باعث می‌شد محمد زشکی جسارت بیشتری پیدا کند، ناتوانی نیروهای دولتی از سرکوب اقدامات وی بود.

هاشم صادقی باجگیران در کتاب «مرزداران دامنه کیسمار» آورده‌است که محمد زشکی، افزون‌بر زدوخورد با نیروهای دولتی، با طوایف گرد منطقه شمال خراسان نیز، درگیر بود. این درگیری مدا، به حاکم وقت مشهد فرصت داد که از فرج... بیچری، یکی از سران طوایف کرد، بخواهد که شر محمد زشکی را از سر مردم مشهد کوتاه کند. او نیز با ۴۰۰ سوار طوایف «بیچری»، «لوکان» و «جریستان» به‌سوی مقر محمد زشکی، واقع در پشت کوهسنگی تاخت. دو طرف ساعتی با یکدیگر درگیر شدند، اما توان یاغیان آن قدر نبود که بتوانند در برابر نیروهای فرج... خان دوام بیاورند. این بود که با جنگ و گریز عقب نشستند و خود را به روستای زنک در ارتفاعات ییلاقی مشهد رساندند. فرج... خان با نیروهایش، روستا را محاصره کرد و از مردم خواست برای نجات جانشان، از آنجا خارج شوند. محاصره سه روز ادامه داشت و محمد زشکی که توان ادامه مقابله را در خود نمی‌دید، از تاریکی شب استفاده کرد و از مهلکه گریخت و به افغانستان رفت. با فرار محمد زشکی چنین به نظر می‌رسید که غائله شرارت‌های او و تصرف منطقه کوهسنگی توسط راهزنان، به پایان رسیده‌باشد. اما در عمل چنین اتفاقی نیفتاد. شرایط کشور هنوز بحرانی بود و این مسئله، به محمد زشکی، مجال عرض اندام دوباره داد. او دوباره به منطقه مشهد بازگشت و شرارت را نو آغاز کرد، کوهسنگی دوباره به تصرف راهزنان درآمد و باز هم سایه وحشت و ناامنی، بر سر مردم مشهد افتاد. قوام السلطنه، حاکم وقت مشهد، کوشید تا با تطمیع و وعده و وعید، محمد زشکی را وادار به تسلیم کند، اما او که می‌دانست حاکم چیزی در چنته ندارد، به پیشنهادهای قوام السلطنه جواب رد داد. حاکم مشهد که به دلیل شیوع ناامنی، شدیداً تحت فشار بود، تصمیم گرفت به سراغ عبدالرضا خان قوچانی، ملقب به «شجاع‌الدوله»، برود که افزون‌بر جنگاوری، سابقه خوبی در سرکوبی یاغیان و اشرار داشت. شجاع‌الدوله نیز برای فیصله‌دادن به غائله محمد زشکی، حبیب‌خان ناصری را با ۲۰۰ سوار زبده و جنگجو، راهی مشهد کرد و آن‌ها توانستند افزون‌بر بیرون راندن محمد زشکی از کوهسنگی، وی را در یکی از ارتفاعات مشهد به دام ببندازند و مانع فرارش شوند. او که چاره‌ای جز تسلیم نداشت، پیغامی برای حاج حسین ملک فرستاد و از وی خواست واسطه صلح و سازش او با حاکم مشهد شود. حاج حسین هم بی‌خیال نقشه قوام السلطنه، این کار را انجام داد و برای آن‌ها امان‌نامه گرفت. قرار شد محمد زشکی و ۵۰ نفر از نیروهایش، سواره از دروازه ارگ وارد مشهد شوند و سلاح خود را تحویل دهند. اما بلافاصله بعد از ورود به مشهد، بازداشت شدند و بدون فوت وقت، در خیابان ارگ مشهد، محلی که اکنون ساختمان بانک ملی مرکزی قرار دارد، تیرباران شدند. جسد آن‌ها چند روزی برای عبرت دیگر راهزنان، در همین محل رها شد. به این ترتیب، کوهسنگی دوباره روی آرامش را دید، هر چند که ناامنی در اطراف آن کم‌وبیش وجود داشت.

		
شهرک تاریخی و موزهی کوهسنگی		
۳شنبه ۱۲ بهمن ۱۴۰۱ ۱۲ بهمن‌اول ۱۴۴۴ شماره ۳۷۸۰		
۱۵		
↓		
تاریخ و هویت		

		
کوهسنگی در جنگ جهانی اول		
هرچند کوهسنگی از دیرباز یکی از تفرجگاه‌های مهم شهر مشهد محسوب می‌شده، اما همیشه فضای آن امنیت لازم را برای استفاده از این ظرفیت نداشته‌است، به‌ویژه هنگامی که وضعیت عمومی کشور به‌دلیل جنگ‌های داخلی یا تعرضات خارجی رو به وخامت می‌گذاشت. درست‌مانند وضعیتي که بین سال‌های ۱۲۹۰ تا ۱۳۰۰ خورشیدی پیش آمد، دورانی که افزون‌بر شیوع قحطی بزرگ و مرگ بیش از ۸ میلیون ایرانی و از بین رفتن نیمی از جمعیت کشور، ایران عرصه تاخت‌وتاز قدرت‌های بیگانه‌ای بود که جدال در جنگ جهانی اول را به داخل خاک ایران کشانده بودند. امنیت به‌عنوان رکن اصلی پشتیبانی از فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، کاملاً از جامعه رخت بسته بود و اوضاع روز به‌روز بدتر می‌شد. در این شرایط، اشرار و یاغیان متعددی در گوشه‌ونگار ایران، گردن‌فرازی را آغاز کردند. یکی از این یاغیان، شخصی به نام محمد ژشکی، بود که در حدود سال ۱۲۹۲ با گروهی که تشکیل داده بود، دست به راهزنی می‌زد و فضای اطراف مشهد را به‌شدت ناامن کرده بود. هرچند محل اصلی بی‌توته محمد زشکی و افرادش در کوه‌های غربی مشهد قرار داشت. آن‌ها به دلیل فقدان نیروی انتظامی فعال در مشهد، با پشت کوهسنگی نفوذ و آن را به یکی از مقرهای اصلی خود تبدیل کرده بودند. به این ترتیب، طی حدود سه سال، این تفرجگاه قدیمی مشهد به مکان استتار راهزنان خطرناکی تبدیل شد که گاه‌وبی‌گاه هزارع و روستاهای اطراف شهر را چپاول می‌کردند و حتی سودای حمله به مشهد و تسلط بر آن را داشتند، موضوعی که باعث می‌شد محمد زشکی جسارت بیشتری پیدا کند، ناتوانی نیروهای دولتی از سرکوب اقدامات وی بود.		

و خاص بودن مراجعاتشان در همان فضای اصلی در گوشه‌ای از مخزن خدمات ارائه می‌شد. همچنین موجودی آرشیو مطبوعات سازمان از کمتر از ۷۰۰ عنوان در سال ۱۳۵۹ به بیش از ۳۳ هزار عنوان در سال ۱۳۹۸ رسیده که بالغ بر ۲ میلیون نسخه است. ● چه میزان از آرشیو مطبوعات، اهدایی است و اهداکنندگان چه کسانی هستند؟
در ۱۰ سال اخیر، بیش از ۶۵۰ هزار نسخه نشریه از مجموعه‌های شخصی جذب شده که عمده این منابع اهدایی فرهیختگان و علاقه‌مندان به امام همام حضرت علی بن موسی الرضا^(۸) بوده است. اهداکنندگان شامل استادان حوزه و دانشگاه، دوستداران فرهنگ، پژوهشگران، ناشران مطبوعات هستند.

		
باقی مطبوعات به چه شکل جمع‌آوری شده‌است؟		
بخش باقی مانده با خرید از بین منابع نفیس مجموعه‌داران مطبوعات تهیه شده است.		
درباره جایگاه سندیت مطبوعات در روایت تاریخ هم برای ما بگویید؛ چقدر می‌توان در یک روایت تاریخی به مطبوعات استناد کرد؟		
سندیت مطبوعات در روایت تاریخ، مانند سندیت کتاب‌ها و اسناد باتوجه به سایر منابع اطلاعاتی مشخص می‌شود، به عبارت دیگر اگر محتوای یک قطعه اطلاعاتی در نشریه‌ای در سایر کتاب‌ها و اسناد تأیید شود، سند تلقی می‌شود و از آن در نگارش تاریخ می‌توان استفاده کرد. به جز این مطبوعات چون نگارش روزانه روزنامه‌نگاران از وقایع روزگار است، مطمئن‌ترین و دقیق‌ترین تاریخ است.		

که با معماری خاص اسلامی تزئین شده و اکنون تنهاپایان این حمام تا داخل حیاط بالا کشیده شده و فضای داخلی آن مرمت نشده است.

ملک، یکی از نمونه‌های حمام تاریخی خصوصی مشهد است که در محوطه حیاط وباغ قرار گرفته‌است. این حمام با مساحتی حدود ۱۲۷ مترمربع در زیرزمین قرار دارد

کاشی آبی

از گزند تخریب‌های مکرر در آمان مانده است، خانه آجری خوش‌نقش‌ونگار در دو طبقه بارده‌های فیروزه‌ای در نمای بنا که نظر عابران را به خود جلب می‌کند. بیش از صد سال پیش، حاج‌حسین ملک‌بازارن و مجموعه‌دار ثروتمند مشهدی پس از ازدواج با همسرش نوابه قدسیه خانم، در محله ارگ که آن زمان حومه شهر بوده، این خانه زیبا را ساخته است، ارگی که بعدتر یکی از خیابان‌های پررونق، سرحال